

ORIGINAL ARTICLE

A Survey of Name Changes in the last 50 years in Boukan: A Socio-Onomastic Study

Hossein Rahmani^{iD}

Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Humanities and Foreign Languages, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:

Hossein Rahmani

Email: hosein_rahmani@pnu.ac.ir

Received: 08/Jul/2025

Revised: 30/Jul/2025

Accepted: 28/Jan/2026

How to cite:

Rahmani, H. (2026). A Survey of Name Changes in the last 50 years in Boukan: A Socio-Onomastic Study, *Journal of Sociolinguistics*, 9 (33), 17-35.

(DOI: [10.30473/il.2026.75095.1702](https://doi.org/10.30473/il.2026.75095.1702))

ABSTRACT

The present research by examining the course of evolution of naming in Bukan in the past 50 years seeks to show the impact of these changes on the naming of children in Bukan and to provide an answer to these questions: 1. In the past 50 years, in each decade and overall, which language's names have Bukan parents most used in choosing names for their children? 2. What differences are seen in the naming of girl and boy children in general and in each decade specifically? 3. What trend have the selected names from each language (Kurdish, Persian, Arabic, Turkish, and Western) followed over these five decades? And 4. How does this change in tendencies reflect the social conditions of each decade? Using civil registration data, first the frequency and percentage of each decade are extracted and based on whether they have Kurdish, Persian, Arabic, Turkish or Western roots, they are grouped and the frequency of each is entered in the relevant tables and then their evolutionary course over these 5 decades is analyzed focusing on the prevailing social conditions. The results indicate the increasing growth of Kurdish and Persian names and the significant decrease of Arabic names. Changes in children's naming had been conducted in light of social changes and transformations in some Kurdish cities, and the absence of such research regarding the names of Bukan was evident, and this research is an effort to address this deficiency.

KEYWORDS

Socio-onomastics, Evolution of Names, Boukan, Linguistic Preferences, Ethnic and National Identity.



Introduction

This research examines the transformation of naming practices in Boukan County, a Kurdish-majority area in West Azerbaijan, Iran, from 1974 to 2023. Rooted in socio-onomastics—the study of names within their social context—it posits that personal names are potent indicators of cultural, political, and identity dynamics. While studies in other Kurdish regions noted evolving trends, a focused analysis of Boukan was lacking. This study fills that gap by exploring which linguistic sources (Kurdish, Persian, Arabic, Turkish, Western) parents have preferred over five decades, how these choices differ by gender, what trends emerge, and how they correlate with Iran’s socio-political history.

Method

A quantitative, descriptive-analytical methodology was employed. The complete dataset of registered birth names from the Boukan Civil Registration Organization (1974-75 to 2023-24) was categorized by linguistic origin, child’s gender, and decade of birth. Frequencies and percentages were calculated for each category per decade and overall. The resulting quantitative trends were then qualitatively interpreted in light of major socio-political developments in each period.

Findings

The data reveals a profound transformation:

1974-83 :Arabic names dominated (94% of boys’ names, 67.3% of girls’). Kurdish names were minimal.

1984-93 :Arabic names declined but remained first; Persian names grew significantly.

1994-2003 :A pivotal shift: Persian names surpassed Arabic for girls (40.2% vs. 34.6%). Kurdish names grew steadily.

2004-13 :Persian names became first for boys (56.7%); Kurdish names surged to first for girls (37.5%). Arabic names fell to third.

2014-23 :Kurdish names became the most frequent for both boys (41.7%) and girls (52.6%). Arabic names sharply declined (to 20.3% for boys, 5.8% for girls). Turkish and Western names gained minor shares.

Girls’ names consistently exhibited earlier and greater adoption of non-Arabic (Persian, Kurdish) names than boys’ names.

Results & Conclusion

The study documents a definitive sociolinguistic shift: the drastic decline of Arabic names and the corresponding rise of Kurdish and Persian names in Boukan. This evolution mirrors Iran’s socio-political journey. The early dominance of Arabic names reflects post-revolutionary Islamic ideology. The rise of Persian names aligns with post-war nationalist state policies. The recent ascendancy of Kurdish names signifies a powerful assertion of ethnic identity, fueled by access to Kurdish media, digital networks, and a conscious cultural revival among Kurdish parents. The minor emergence of Turkish and Western names points to regional and global influences. Ultimately, this research confirms that names are deeply embedded in social fabric. The trajectory from Arabic hegemony to Kurdish primacy in Boukan narrates a local story of evolving identities, decoding the silent discourse of change etched into the names of a new generation.

Keywords

Socio-onomastics, Evolution of Names, Boukan, Linguistic Preferences, Ethnic and National Identity.

«مقاله پژوهشی»

سیر تحول نام‌ها در ۵۰ سال گذشته در بوکان: پژوهشی در نام‌شناسی اجتماعی

iD حسین رحمانی

چکیده

پژوهش حاضر با بررسی سیر تحول نام‌گذاری در شهرستان بوکان در ۵۰ سال گذشته درصدد است که تأثیر این تغییرات را بر نام‌گذاری‌های کودکان در شهرستان بوکان نشان دهد و پاسخی برای این سؤالات فراهم کند: ۱. والدین بوکانی در انتخاب نام برای کودکان خود ۵۰ سال گذشته در هر دهه و در کل از نام‌های کدام زبان بیشترین استفاده را کرده‌اند؟ ۲. چه تفاوت‌هایی در نام‌گذاری کودکان دختر و پسر به طور کلی و در هر دهه به طور خاص دیده می‌شود؟ ۳. اسامی منتخب از هر زبان (کردی، فارسی، عربی، ترکی، غربی) در طی این پنج دهه چه روندی را طی کرده‌اند؟ و ۴. این تغییر در گرایش‌ها چگونه شرایط اجتماعی هر دهه را بازتاب می‌دهند؟ با استفاده از داده‌های ثبت احوال ابتدا فراوانی و درصد هر دهه استخراج شده و براساس اینکه ریشه کردی، فارسی و یا عربی، ترکی یا غربی دارند، گروه‌بندی و فراوانی هر یک در جداول مربوطه وارد می‌شود و سپس سیر تحولی آنها در این ۵ دهه با تمرکز بر شرایط اجتماعی حاکم تحلیل می‌شوند. نتایج حاکی از رشد فزاینده نام‌های کردی و فارسی و کاهش چشمگیر نام‌های عربی است. تغییرات نام‌گذاری کودکان در پرتو تغییر و تحولات اجتماعی در برخی از شهرهای کردنشین انجام شده بود و جای خالی چنین پژوهشی در مورد نام‌های شهرستان بوکان مشهود بود و این پژوهش تلاشی برای رفع این کاستی است.

واژه‌های کلیدی

نام‌شناسی اجتماعی، سیر تحول نام‌ها، گرایش‌های زبانی، هویت قومی و ملی.

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

حسین رحمانی

رایانامه: hosein_rahmani@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

استناد به این مقاله:

رحمانی، حسین (۱۴۰۴). سیر تحول نام‌ها در ۵۰ سال گذشته در بوکان: پژوهشی در نام‌شناسی اجتماعی، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، ۹ (۳۳)، ۱۷-۳۵.

(DOI: [10.30473/il.2026.75095.1702](https://doi.org/10.30473/il.2026.75095.1702))



مقدمه

اولین هدیه‌ای که با تولد نوزاد آدمی (و حتی پیش از تولد) به وی اعطا می‌شود، نامی است که عمداً توسط والدین، پدربزرگان، کفیلان، و ... به وی داده می‌شود. آموزه‌های دینی فراوانی از جمله احادیث پیامبران و امامان بر انتخاب نام نیک برای فرزندان تأکید کرده‌اند چرا که داشتن یک نام برای هویت فردی و تعاملات اجتماعی حائز اهمیت است. نام یک فرد، وی را از دیگران متمایز می‌کند، به دیگران می‌شناساند، بر آن اساس مورد خطاب قرار می‌گیرد و نیز به خاطر سپرده می‌شود. نام‌ها صرفاً ابزاری برای نامیدن و تمییز دادن نیستند و در کنار این موارد، معانی فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی و نیز شخصی دارند و در برقراری ارتباط، ساختن روابط و احساس تعلق نقش مهمی ایفا می‌کنند. به طور کلی، نام بخش حیاتی از نحوه دیدن خود و چگونگی درک دیگران از ما در جامعه است.

مطالعه نام‌ها، که به آن «نام‌شناسی»^۱ می‌گویند به دوران سقراط، افلاطون و ارسطو و علاقه آنها به رابطه بین نام‌ها و مدلول‌هایشان برمی‌گردد و از نظر کوتس^۲ (۲۰۰۶: ۷)، نظریه نام‌ها «به جرأت قدیمی‌ترین موضوع در تمام حوزه زبان‌شناسی است، چرا که نخستین بار توسط افلاطون در رساله کراتیلوس به صورت مسئله مطرح شد». هرچند نام‌شناسی توجه پژوهشگرانی از حوزه‌های فلسفه، حقوق، روانشناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات ترجمه و مطالعات بینافرهنگی، ادبیات، تاریخ و باستان‌شناسی (زندگی و احمدی، ۱۳۹۵)، جغرافیا و نقد ادبی (اکبری، ۱۴۰۲) را به خود جلب کرده است، اما همچنانکه دانسی^۳ (۲۰۰۴: ۱۱۸) و کریستال^۴ (۱۹۸۷: ۱۱۲) معتقدند «نام‌شناسی زیرشاخه زبان‌شناسی» است و به طور سنتی به مطالعه نام اشخاص (انسان‌نام‌شناسی)^۵ و مکان‌ها (جای‌نام‌شناسی)^۶ می‌پردازد (آینیالا^۷، ساتارلما^۸ و ژوبلوم^۹، ۲۰۱۲: آینیالا و اُستمان^{۱۰}، ۲۰۱۷).

نام‌شناسی اجتماعی^{۱۱} از تلفیق نام‌شناسی با جامعه‌شناسی زبان حاصل می‌شود و طی چند دهه اخیر به تدریج شتاب

بیشتری گرفته است. این رویکرد بر این فرض استوار است که نام‌ها عنصری جدایی‌ناپذیر از جامعه هستند و نمی‌توان این دو را از هم منفک کرد (برمول^{۱۲}، ۲۰۱۲)؛ لذا نام‌شناسی اجتماعی بخشی از جامعه‌شناسی زبان است (دبوس^{۱۳}، ۱۹۹۵). نام‌های خاص بدون در نظر گرفتن بافت اجتماعی معنا نمی‌یابند، به همین دلیل وان لانگندونک^{۱۴} (۲۰۰۷: ۳۰۷) آنها را «جزء جدایی‌ناپذیر از ذخیره زبانی یک جامعه» می‌داند. نام‌ها در کنار کارکردهای اجتماعی-فرهنگی (آینیالا و اُستمان، ۲۰۱۷)، کنشی سیاسی نیز تلقی می‌شوند (کوستانسکی^{۱۵} و پوزی^{۱۶}، ۲۰۱۶) و از آنجایی که سیاست و جامعه به هم پیوند خورده‌اند، نام‌شناسی اجتماعی می‌تواند نشان دهد که چگونه نام‌گذاری می‌تواند بازتاب‌دهنده تغییرات در جامعه باشد؛ به عبارتی دیگر، تغییر در نظام اجتماعی - فرهنگی یک جامعه، تغییر در نظام نام‌گذاری فردی را با خود دارد. (نجاتی حسینی و افشار، ۱۳۸۸). نام‌شناسی اجتماعی به مطالعه نام‌ها در بافت اجتماعی و فرهنگی آنها و بازتاب چگونگی شیوه‌های نام‌گذاری، ساختارهای اجتماعی، هویت، روابط قدرت و تحولات تاریخی می‌پردازد و برخلاف نام‌شناسی سنتی که بر ریشه‌شناسی و منشأ نام‌ها تمرکز دارد، نام‌شناسی اجتماعی به بررسی انگیزه‌های اجتماعی پشت انتخاب نام‌ها، روابط قدرت نهفته در نام‌گذاری (مثل تحمیل نام‌ها در برخی از کشورها مانند ترکیه (حسن پور، ۱۹۹۲، ۲۰۰۳)) و ساخت هویت از طریق نام‌های اشخاص و مکان‌ها و نیز تحولات فرهنگی ناشی از جهانی‌شدن، مهاجرت و رسانه می‌پردازد.

پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که بین تغییرات اجتماعی و شیوه‌های نام‌گذاری افراد ارتباط وجود دارد و بر آن است که تأثیر تغییرات اجتماعی در پنجاه سال گذشته را بر نام‌گذاری کودکان در شهرستان بوکان از آذربایجان غربی نشان دهد و پاسخی برای سؤالات زیر فراهم کند:

۱. والدین بوکانی در انتخاب نام برای کودکان خود ۵۰ سال گذشته در هر دهه و در کل از نام‌های کدام زبان بیشترین استفاده را کرده‌اند؟

۲. چه تفاوت‌هایی در نام‌گذاری کودکان دختر و پسر به طور کلی و در هر دهه به طور خاص دیده می‌شود؟

12. Bramwell
13. F. Debus
14. W. Van Langendonck
15. K. Kostanski
16. G. Puzey

1. Onomastics
2. R. Coates
3. M. Danesi
4. D. Crystal
5. anthroponymy
6. toponomastics
7. T. Ainiiala
8. M. Saarelma
9. P. Sjöblom
10. J. O. Östman
11. Socio- onomastics

بومی و غیربومی از کدام نام‌های متفاوتی برای مکان‌های خاص استفاده می‌کنند. زندگی و همکاران (۱۳۹۷) با مقایسه نام‌گذاری قهوه‌خانه‌ها با کافی‌شاپ‌های شهر تهران نشان می‌دهند که هویت فردی در نام‌گذاری قهوه‌خانه‌ها بسیار بیشتر از کافی‌شاپ‌ها تجلی یافته است و به لحاظ هویت جنسیتی، نام‌های مردانه ایرانی در قهوه‌خانه‌ها رواج بیشتری از کافی‌شاپ‌ها دارد؛ حال آن‌که در نام‌گذاری کافی‌شاپ‌ها تمایز جنسیتی بارزی به چشم نمی‌خورد. بعلاوه آنها نتیجه می‌گیرند که سهم هویت قومی در نام‌گذاری هر دو مکان تقریباً یکسان و قابل توجه است. از سوی دیگر، نام‌های ملی و مذهبی در نام‌گذاری قهوه‌خانه‌ها نقش بیشتری دارند، در حالی که صاحبان کافی‌شاپ‌ها به نام‌های ملی توجه بیشتری دارند. همچنین، هویت فراملی حضور معناداری در نام‌گذاری کافی‌شاپ‌های تهران دارد. کوهنانی و همکاران (۱۴۰۳) نشان می‌دهند که نام قوم و قبیله تاثیرگذارترین عامل در نام‌گذاری کشورها محسوب می‌شود و عواملی همچون منطقه یا ویژگی جغرافیایی، شخص، حیوان، اثر تاریخی و عنصر طبیعی نیز در نام‌گذاری کشورهای اروپایی دخیل بوده‌اند. آنان همچنین نشان می‌دهند که قرض‌گیری، فرایندهای ترجمه قرضی و ابداع در کاربرد جای‌نام کشورهای اروپایی در فارسی دخیل بوده‌اند.

نام‌شناسی ادبی

نام‌شناسی ادبی به بررسی نام‌ها در آثار تخیلی می‌پردازد و بر نقش‌های روایی، نمادین و فرهنگی آن‌ها تمرکز دارد. سامسر^۳ (۱۹۹۲) در بررسی درام‌های تلویزیونی نتیجه‌گیری می‌کند که نمادها قادرند نام‌ها و نقش‌های دراماتیک را به هم همبسته ساخته و از این طریق بر برنامه‌ها و محتوای آنها تأثیر گذارند. اسدی و فرید (۱۳۹۰) بر اساس نام‌شناسی و تکیه بر روش نشانه‌شناسی پیرس به نشانه‌شناسی نام شخصیت‌ها در نمایشنامه مرگ فروشنده می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند که رابطه‌ای مستقیم و کاربردی میان نام اشخاص نمایش و درون‌مایه و کنش‌های نمایشی وجود دارد. اشرف نظری، حسن‌پور و حسن‌پور (۱۳۹۱) با بررسی ۵ مجموعه طنز صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ دریافته‌اند که در برنامه‌های طنز اکثریت نام‌ها ایرانی هستند و نام‌های اسلامی کمترین کاربرد را دارند. بنا بر این، سیاست حاکم مگر به بازنمایی طنزگونه اسامی ایرانی و تضعیف نظام

۳. اسامی منتخب از هر زبان‌های در طی این پنج دهه چه روندی را طی کرده‌اند؟

۴. این تغییر در گرایش‌ها چگونه شرایط اجتماعی هر دهه را بازتاب می‌دهند؟

برای پاسخگویی به این سؤالات با استفاده از پایگاه داده‌های ثبت احوال فراوانی نام‌های کودکان پسر و دختر در این ۵ دهه بر اساس اینکه عربی، فارسی، کردی، ترکی و غربی هستند، در جدولی که به این منظور طراحی شده‌اند، وارد می‌شوند و بدینگونه مشخص می‌شود که در هر دهه نام‌های پسرانه، دخترانه و نیز در مجموع در کدام زبان دارای فراوانی بیشتری است و اینکه شرایط اجتماعی سیاسی آن دوره چگونه به توجیه آن کمک می‌کند. سپس در جدولی کلی مجموع نام‌های دختران و پسران در طی این ۵۰ سال وارد می‌شود و زمینه بررسی در زمانی آنها را فراهم می‌کند. تغییرات نام‌گذاری کودکان در پرتو تغییر و تحولات اجتماعی در برخی از شهرهای کردنشین استان کردستان انجام شده بود و جای خالی چنین پژوهشی در مورد نام‌های شهرستان بوکان (واقع در آذربایجان غربی به مرکزیت ارومیه) اغلب ترک زبان) و نیز مجاورت با دو شهر ترک زبان میاندوآب و شاهیندژ که مردمانش با مردم بوکان همواره در تعاملند) مشهود بود و این پژوهش تلاشی برای رفع این کاستی است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های پیشین انجام شده حول نام‌شناسی را می‌توان در حوزه‌های متفاوتی مانند نام مکان‌ها (در حوزه جای‌نام‌شناسی)، نام شخصیت‌های داستان‌ها، رمان‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی (نام‌شناسی ادبی)، نام به مثابه کنش سیاسی و نام‌های کودکان دختر و پسر در شهرستان‌ها و استان‌ها (انسان نام‌شناسی) بررسی کرد:

جای نام‌ها

پیتکانن^۱ (۱۹۹۸) سعی می‌کند دریابد که افراد با سنین، مشاغل و جنسیت‌های مختلف چه تعداد و چه نوع نام‌های مکانی را در مناطق محل سکونت خود می‌شناسند. در پژوهشی دیگر وی (۲۰۱۰) نشان داد که جوانان و زنان در روستاها نام‌های فرهنگی سکونتگاه‌ها را بیشتر از جای‌نام‌های دیگر به خاطر می‌سپارند. پابل^۲ (۲۰۰۹) نشان می‌دهد افراد

1. R. L. Pitkänen

2. A. Pablé

3. Sumser

میزان کاربرد اسامی مذهبی و عربی خنثی در مجموعه‌های اجتماعی بیش از مجموعه‌های طنز است. در عین حال، گرایش به انتخاب اسامی ملّی در هر دو سبک در حال افزایش است. بعلاوه وی بر وجود رویکردی متفاوت بین انتخاب اسامی زنان و مردان اشاره می‌کند. رابینز^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی روش‌های مطالعه نام‌ها در ادبیات پرداخته‌اند. این پژوهش شامل تحلیل‌های کیفی نام‌های تکی و نیز مطالعات کمی سیستم‌های نام‌گذاری در ژانرهای مختلف بوده است. حسنی و همکاران (۱۴۰۳) در جستاری با روش توصیفی-تحلیلی، عنوان و نام شخصیت‌های برجسته رمان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* اثر زویا پیرزاد را براساس دانش نام‌شناسی و با تکیه بر روش نشانه‌شناسی پیرس بررسی می‌کنند. از نشانه‌شناسی نام‌های این رمان آنها درمی‌یابند که این رمان مجموعه‌ای از نام‌های ارمنی و لاتین است. آنها خاطر نشان می‌سازند که عنوان رمان با سه نام منتخب و کلیدی داستان پارادوکس دارد. سه زن این داستان به سه تیپ اجتماعی سنتی، مدرن و بینابین آن دو تعلق دارند و نام همه آنها دارای مفهوم روشنائی است و آنها با قربانی کردن خود چراغ‌های زندگی خانواده شان را روشن نگه می‌دارند.

نام‌شناسی سیاسی

زلینسکی^۲ (۱۹۶۷) و لیلی^۳ (۱۹۷۸) در پژوهش‌های خود به بررسی جغرافیای تاریخی نام‌های مکانی در ایالات متحده پرداختند و نشان دادند که چگونه این نام‌ها بازتابی از انتقال فرهنگی و تأثیرات استعماری هستند. حسن پور (۱۹۹۲) و (۲۰۰۳) در بررسی نام کودکان کرد کشور ترکیه دریافته است که استفاده از نام‌های سنتی کردی ابزاری برای مقاومت در برابر سیاست‌های ترک‌سازی است. وی به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی انتخاب نام‌های کردی و هزینه‌های اجتماعی آن (مانند تبعیض یا طرد) پرداخته است. حسن پور (۲۰۰۳) به طور خاص به مقاومت زبانی و فرهنگی کردها در برابر سیاست‌های سرکوب‌گرایانه، از جمله ممنوعیت نام‌های کردی در ترکیه، می‌پردازد و انتخاب نام‌های کردی را به‌عنوان عملی اعتراضی و سیاسی تحلیل می‌کند. برتراند^۴ و

معنایی آنها از طریق مطابیه شده است. آنی‌زاده و چهری (۱۳۹۲) با بررسی ۸ مجموعه تلویزیونی که در فواصل سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پخش می‌شده‌اند، نشان می‌دهند علی‌رغم اینکه مذهب اولین و مهمترین امر در نامگذاری در ایران است، با این حال نقش رسانه به‌اندازه‌ای پررنگ بوده که به‌تغییر در جایگاه اسامی انجامیده است و نام شخصیت‌های اصلی این مجموعه‌ها به فراوانی آنها انجامیده است. طاهری قلعه‌نو و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی نام‌شناسی شخصیت‌های قصه‌های عامیانه فارسی با تکیه بر فیروزشاه‌نامه به تحلیل نام شخصیت‌های مختلف از منظرهایی چون تیپ اجتماعی، معنا و مفهوم، ساختار، آوا، مکان زندگی و جنسیت پرداخته است. کردی و براتچیان (۱۳۹۴) به تأثیر تماشای سریال‌های ماهواره‌ای و انتخاب نام فرزند تأکید داشته‌اند. مرادی و کمالی (۱۳۹۵) با تأکید بر اهمیت نام‌شناسی شخصیت‌ها در شناخت بهتر قهرمانان، نشان می‌دهند که آل‌احمد با استفاده از نام‌های مختلف، در *سه‌تار* در تلاش است تا فقر فرهنگی رایج در جامعه به جهت فقر مالی و خرافه‌پرستی را به تصویر بکشد. فرهنگی و رشت‌بهشت (۱۳۹۸) با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل نام شخصیت‌ها در داستان خواب زمستانی اثر گلی ترقی می‌پردازند و درمی‌یابند که در رمان خواب زمستانی شیوه‌گزینش نام زنان و مردان متفاوت است و نیز انتخاب نام‌ها تصادفی و اتفاقی نیست و در ورای گزینش هر نام دلایل متعددی می‌تواند وجود داشته باشد. فرهنگی و رشت‌بهشت (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که بیشتر نام‌های منتخب صادقی در رمان *ملکوت* با شخصیت‌ها تناسب و همخوانی دارند و نام‌ها بر مبنای کنش و رفتار اشخاص انتخاب شده‌اند. احمدوندی (۱۴۰۰) با اتخاذ رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی رمان *همسایه‌ها* از منظر نام‌شناسی شخصیت‌های آن پرداخته است و بر نقش وضعیت اقتصادی، هنجارهای اجتماعی، نزدیکی به منابع قدرت، دین و مذهب و ایدئولوژی به عنوان پنج عنصر بنیادین در انتخاب نام شخصیت‌های رمان همسایه‌ها تأکید می‌کند. عظیمی‌فرد (۱۴۰۱) با اشاره به اینکه تغییرات اجتماعی و فرهنگی در کنار تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی موجب تغییر در رویکرد مردم به نامگذاری فرزندان می‌شود، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی نام‌های اشخاص در مجموعه‌های تلویزیونی شاخص رسانه‌ی ملّی در دو دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی به دو سبک طنز و اجتماعی می‌پردازد. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که

1. D. D. Robin
2. W. Zelinsky
3. J. Leighly
4. M. Bertrand

مولایناتان^۱ (۲۰۰۴) در یک مطالعه میدانی نشان دادند که رزومه‌های با نام‌های «آمریکایی-سفیدپوست» (مثل امیلی و گرگ) نسبت به رزومه‌های با نام‌های «آفریقایی-آمریکایی» (مثل لاکیشا و جمال)، ۵۰ درصد بیشتر پاسخ مثبت از کارفرما دریافت کردند. فرهنگی و رشت‌بهشت (۱۳۹۹) نشان می‌دهند نام‌های منتخب صادقی در رمان ملکوت متأثر از دوره خاص سیاسی و اجتماعی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است و مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به همراه تفکر خاص نویسنده در نام‌گذاری‌های او تأثیرگذار بوده‌است. ابوهتاب^۲ (۲۰۱۵) به بررسی فرایند نام‌گذاری فرزندان در سال‌های ۱۹۹-۱۹۴۵ یعنی دوره پسااستعمار در اردن می‌پردازد. از نظر علی و همکاران (۲۰۲۳) مردم بلوچ نام‌ها را از فرهنگ‌های مختلف به دلایل مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک وام می‌گیرند، اما همواره آن‌ها را در پوشش ایدئولوژی ملی خود قرار می‌دهند.

گوشوران کردزبان شهر بانه طی صد سال اخیر دریافتند که رواج نام‌های مذهبی روندی کاهشی و درعوض، گستردگی نام‌های ملی و قومی، روندی صعودی داشته‌اند. اسدی و همکاران (۱۳۹۹) با بررسی روند نام‌گذاری فرزندان در طول سه دهه اخیر در بخش کلاترزان سنج میانگین نام‌های سه دهه برآمده از خاستگاه هویت ملی بالاترین فراوانی را داشته و نام‌های قومی و نام‌های مذهبی به ترتیب رتبه دوم و سوم فراوانی را دارد. بر خلاف دو پژوهش قبلی اسدی و همکاران (۱۳۹۹) نام‌های با هویت ملی نیز در کنار نام‌های مذهبی روندی کاهشی داشته و مانند آنها گرایش به نام‌های قومی را افزایشی دانسته‌اند. زندی و واثق (۱۳۹۹) با بررسی سیر تحول نام‌گذاری در چهار نسل در یکی از سازمان‌های دولتی شهر تهران دریافته‌اند که نام‌های برگرفته از هویت مذهبی بالاترین فراوانی و پس از آن نام‌های ملی، خنثی و فراملی به ترتیب بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. آنها دریافته‌اند که در نسل چهارم اسامی ملی روندی رو به رشد ولی اسامی مذهبی سیری نزولی داشته‌است. نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی نام‌های سه دهه اخیر در شهر بیرجند خبر از افزایش قابل ملاحظه نام‌های ملی در قیاس با نام‌های مذهبی در هر دو جنسیت دختر و پسر می‌دهند و این افزایش در نام‌های گزینش شده برای دختران بیشتر است. محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) با بررسی نام‌های نیم‌قرن گذشته شهرستان سقز نشان می‌دهند که نام‌گذاری کودکان از تحولات تاریخی و اجتماعی و رسانه‌ها تأثیر پذیرفته و در دهه اخیر اسامی فارسی و کردی نسبت به اسامی عربی و ترکی و غربی رشد بیشتری داشته است. آنها دریافته‌اند که فراوانی نام‌های عربی رو به کاهش بوده و تنوع نام‌ها در جامعه افزایش یافته است و دلیل این امر را به دسترسی به رسانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی گوناگون و نیز تمایل به متفاوت بودن نسبت به دیگران نسبت می‌دهند. جعفری دهقی (۱۴۰۳) نیز با بررسی نام‌های اساطیری در کتیبه‌های فارسی میانه و اشکانی بر بیشتر بودن نام‌های ملی نسبت به نام‌های مذهبی صحنه می‌گذارد. رضایی بیلندی و ناصح (۱۴۰۳) نیز در بررسی نام‌های مدارس شهرستان گناباد دریافتند که در حوزه بررسی نام‌ها از حیث مقوله هویت، بالاترین میزان نام‌گذاری مربوط به هویت ملی، در حوزه مشاهیر، بالاترین تعداد مربوط مشاهیر غیرمعاصر (زیرمقوله پیامبر اسلام و خاندان‌شان) و بر اساس مقوله جنسیت نیز نام‌های مذکر بیش از نام‌های مؤنث بوده‌اند.

نتایج پژوهش جمشیدیها و فولادیان (۱۳۹۰) حاکی از آن است که روند به‌کارگیری اسامی اسلامی سنتی در جامعه ایرانی رو به کاهش گذاشته است و نیز اسامی حامل فرهنگ ایرانی باستانی در دوره پیش از انقلاب چند سالی افزایش می‌یابند اما با شروع انقلاب گرایش به این نام‌ها به شدت کاهش می‌یابد اما مجدداً در دوران سازندگی به طور معناداری افزایش می‌یابند. قنبری عدوی (۱۳۹۲) ده‌ها ترکیب اسمی یک تا سه‌جزئی فارسی (شامل فارسی و گویش بختیاری)، عربی و ترکی ساخته شده و رایج بین مردم به روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری، گروه‌بندی می‌کند و برخلاف پژوهش‌های پیشین نام‌های مذهبی را دارای فراوانی بیشتری می‌داند. اسلامی راسخ و احمدوند (۲۰۱۵) نشان دادند مردان و زنان استان کردستان، بیشتر از نام‌های قومی استفاده می‌کردند و نام‌های مذهبی رواج کمتری دارند. دانش و قربانی (۱۳۹۶) متغیرهای دینداری و قومی را دارای رابطه معکوس با ملی‌گرایی خانواده‌ها قلمداد کرده‌اند که بر اساس آن خانواده‌های دین‌دارتر بیشتر به اسامی اسلامی و قومی گرایش دارند و خانواده‌های کمتری از دینداری کمتری برخوردارند به اسامی ملی گرایش دارند. احمدی و همکاران (۱۳۹۷) با تمرکز بر انتخاب نام‌های خاص در میان

انسان‌نام

1. S. Mullainathan
2. W. Abu Hatab

مبانی نظری

نام‌شناسی عمدتاً به بررسی نام مکان‌ها^۱ و نام انسان‌ها^۲ می‌پردازد؛ حوزه اول را جای‌نام‌شناسی و حوزه دوم را انسان‌نام‌شناسی^۳ می‌نامند. آینیالا و اُستمان (۲۰۱۷: ۷) نام مکان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کنند «نام‌های طبیعی»^۴ و نام‌های فرهنگی^۵. نام‌های طبیعی نام‌هایی هستند که به یک مکان طبیعی اشاره دارند (مانند دریا، کوه یا جنگل) و نام‌های فرهنگی نام‌هایی هستند که به مکانی ساخته‌شده یا شکل‌گرفته توسط انسان اشاره دارند (مانند مزرعه، جاده یا خانه)». آنها نام‌های طبیعی را نیز به دودسته طبقه‌بندی می‌کنند: «نام‌های زمینی و نام‌های مرتبط با آب‌ها: نام‌های توپوگرافیک»^۶ (مانند نام یک باتلاق یا صخره) و هیدرونیم‌ها^۷ (مانند نام یک دریاچه یا جوی). نام‌های فرهنگی معمولاً به نام‌های سکونتگاهی (مانند نام‌های خانه‌های روستایی یا دهکده‌ها)، نام‌های کشت‌وکار (مانند نام‌های مزارع و چمنزارها) و نام‌های مصنوعی تقسیم می‌شوند. دسته آخر شامل نام‌های جاده‌ها، پل‌ها، سدها و دیگر سازه‌ها می‌شود» (همان). مطالعه نام‌های شخصی در چارچوب نام‌شناسی اجتماعی توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود جلب کرده است. ارزش‌های اجتماعی عاملی مهم در انتخاب نام‌های کوچک محسوب می‌شوند؛ بنابراین نام‌دهنده تحت تأثیر عواملی مانند زبان مادری، باورهای مذهبی، پیشینه ملی و وضعیت اجتماعی قرار می‌گیرد (آینیالا و اُستمان، ۲۰۱۷: ۲۰، ویرکولا^۸ (۲۰۱۴) و آلدین^۹ (۲۰۱۷)). انسان‌نام‌شناسی اجتماعی به بررسی چرایی محبوبیت برخی از نام‌ها و اجتناب از برخی دیگر و نیز تغییرات نام‌های محبوب با نگاهی به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی‌ای می‌پردازد و داده‌های آماری اهمیت زیادی برای مطالعات مربوط به محبوبیت نام‌ها دارند. نام‌شناسی اجتماعی به معنای مطالعه نام‌ها در چارچوب جامعه‌شناسی را لانگندوک در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد کرد؛ هرچند قبل از وی کهل^{۱۰} (۱۹۷۱) و لیبرسون^{۱۱} (۱۹۸۴) بر پیوند بین تحقیقات نام‌شناسی و جامعه‌شناسی

زبان تأکید کرده بودند. این زمینه پژوهشی با تلفیق زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، به بررسی نقش نام‌ها در بازتاب و شکل‌دهی هویت‌های اجتماعی، روابط قدرت و تحولات فرهنگی می‌پردازد. عبارتی دیگر، این حوزه، نام‌ها را نه به‌عنوان نشانه‌های زبانی صرف، بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای بازتولید هویت، قدرت و ایدئولوژی در جامعه تحلیل می‌کند. فلسفه بنیادین رویکرد نام‌شناسی اجتماعی این است که نام‌ها محصول جامعه‌ای هستند که در آن استفاده می‌شوند و بخشی از آن جامعه محسوب می‌گردند؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را جدا از بافت اجتماعی‌شان مطالعه کرد. لانگندوک (۲۰۰۷: ۳۰۶-۳۰۷) نام‌های خاص را به‌عنوان «نشانه‌های زبانی ریشه‌دار در جامعه و بخشی جدایی‌ناپذیر از مجموعه جامعه‌شناختی زبان یک جامعه» توصیف می‌کند و بر این باور است که مطالعه نام‌ها باید با توجه به تحولات پیرامونشان صورت گیرد؛ وی (همان: ۳۲۰) و نیکولایسن (۱۹۸۵: ۱۲۳) نام‌ها را ابزاری ایده‌آل برای بررسی تغییرات اجتماعی می‌دانند، چرا که تغییرات جامعه می‌توانند بر ساختار و شیوه‌های نام‌گذاری در آن جامعه تأثیر بگذارند. این در حالی است که برگر^{۱۲} و لاکمن^{۱۳} (۱۹۶۶: ۳۴) معتقدند که «واقعیت‌های اجتماعی از طریق تعاملات انسان‌ها ساخته می‌شوند و نام‌ها به‌عنوان بخشی از این واقعیت‌ها، نه تنها بازتاب دهنده‌ی هویت فردی و جمعی هستند، بلکه در شکل‌دهی به آن نقش ایفا می‌کنند». در همین راستا، پیرس (۱۹۳۱) و لیبرسون (۲۰۰۰: ۸۷) «انتخاب نام‌های خاص در یک جامعه» نشان از «تعلقات قومی یا طبقاتی» می‌دهند. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اروپایی، افراد با تحصیلات بالا نام‌های سنتی را ترجیح می‌دهند، در حالی که افراد با تحصیلات پایین‌تر نام‌هایی را انتخاب می‌کنند که محبوب و مد روز هستند (گرهاردز^{۱۴} ۲۰۰۳؛ واندبوش^{۱۵} ۱۹۹۸).

زبان، جنسیت و قدرت همواره در مباحث جامعه‌شناسی زبان، از اهمیت ویژه برخوردار بوده‌اند؛ در بررسی نام‌شناسی نیز این مسئله حائز اهمیت است. از نظر فرکلاف نام‌ها در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی ایفای نقش می‌کنند و «گروه‌های به حاشیه رانده شده ممکن است از نام‌ها برای مقابله با روایت‌های مسلط استفاده کنند» (فرکلاف، ۱۹۹۲:

1. toponyms
2. anthroponyms
3. anthroponomastics
4. nature names
5. cultural names
6. topographic
7. hydronym
8. J. Virkkula
9. E. Aldrin
10. F. Kehl
11. S. Lieberson

12. Berger
13. Luckmann
14. J. Gerhards
15. H. Vandebosch

شده است، وارد می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی نام‌های شهرستان بوکان در دهه‌ها مختلف در ۵۰ سال گذشته

ده سال اول ۱۳۶۳-۱۳۵۴

از ۱۲۷۴۲ نام پسرانه دهه اول (۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳) نام‌های عربی ۱۱۹۸۸ مورد، نام‌های فارسی ۶۲۸ مورد و نام‌های کردی ۱۲۶ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۹۴/۰۸ درصد پسران متولد سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳ نام‌های عربی، ۴/۹۲ درصد نام‌های فارسی و کمتر از یک صدم درصد نام‌های کردی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت عربی <فارسی < کردی است.

از ۱۰۹۴۶ نام دختران این دوره، نام‌های عربی ۷۳۶۷ مورد، نام‌های فارسی ۲۲۳۸ مورد و نام‌های کردی ۱۳۴۱ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۶۷/۳ درصد دختران متولد سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳ نام‌های عربی، ۲۰/۴۵ درصد نام‌های فارسی ۱۲/۲۵ درصد نام‌های کردی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت عربی <فارسی < کردی است.

بر اساس داده‌های مندرج در جدول شماره ۱ می‌توان دریافت که در دهه اول (۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳) حجم بسیار زیادی از نام‌های کودکان پسر و دختر (۸۱/۷ درصد) مجموع نام‌های پسر و دختر عربی بوده است. نام‌های فارسی با ۱۲/۱ درصد در رتبه دوم و ۶/۲ درصد کودکان، نام‌های کردی داشته‌اند؛ بنابراین رابطه کل نام‌های این دهه به صورت عربی <فارسی < کردی است.

جدول ۱. نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۵۴

مجموع	درصد	عربی	درصد	ترکی	درصد	کردی	درصد	فارسی	درصد	عربی	درصد	۵۴-۶۳
۱۲۷۴۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱۲۶	۴/۹۲	۶۲۸	۹۴/۰۸	۱۱۹۸۸	۹۴/۰۸	پسر
۱۰۹۴۶	۰	۰	۰	۰	۰	۱۳۴۱	۲۰/۴۵	۲۲۳۸	۶۷/۳	۷۳۶۷	۶۷/۳	دختر
۲۳۶۸۸	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴۶۷	۱۲/۱	۲۸۶۶	۸۱/۷	۱۹۳۵۵	۸۱/۷	مجموع

نام‌های کردی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت عربی <فارسی < کردی است.

از ۱۵۱۳۳ نام دختران این دوره، نام‌های عربی ۶۸۳۶ مورد، نام‌های فارسی ۴۴۳۶ مورد و نام‌های کردی ۳۸۶۱ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۴۵/۱۷ درصد دختران متولد سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳ نام‌های

۸۹؛ همانطوریکه «مهاجران یا گروه‌های تحت ستم ممکن است نام‌های خود را تغییر دهند تا با هویت جدید سازگار شوند» (آلیا، ۲۰۰۷: ۱۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است. در سطح توصیفی فراوانی و درصد نام‌ها در پنج دهه قبل استخراج می‌شود، در سطح تحلیلی به چرایی برخی از پدیده‌های مرتبط با نام‌گذاری پرداخته می‌شود و در سطح تطبیق تفاوت‌ها و تشابهات نام‌ها را در پنج دهه قبل بررسی می‌کند. این پژوهش از نوع کمی است و داده‌های پژوهش برگرفته از پایگاه داده‌های اداره ثبت و احوال شهرستان بوکان است و مشتمل بر کلیه نام‌های ثبت شده در ۵ دهه اخیر یعنی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۴۰۳ می‌باشد.

برای اجرای این پژوهش، ابتدا داده‌های برگرفته از پایگاه داده‌های ثبت و احوال در دهه‌های مختلف جمع‌آوری شد و نام‌ها بر اساس این که عربی، فارسی، کردی، ترکی و یا غربی هستند، در دو دسته نام‌های پسران و نام‌های دختران گروه‌بندی شد. سپس فراوانی نام‌های هر یک از این پنج گروه برای تحلیل و بررسی در دو جدول پسران و دختران وارد شد. این بررسی‌ها و جداول برای هر دهه به صورت منفرد نیز انجام شد. برای تحلیل و بررسی‌های مرتبط برحسب نیاز از نمودارهای میله‌ای و خطی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در اینجا به یافته‌های پژوهش در ۵۰ سال گذشته پرداخته می‌شود و یافته‌های هر دهه در جدولی که برای آن طراحی

ده سال دوم ۱۳۷۳-۱۳۶۴

از ۱۵۰۴۵ نام پسرانه دهه دوم (۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳) نام‌های عربی ۱۱۶۰۸ مورد، نام‌های فارسی ۲۶۰۱ مورد و نام‌های کردی ۸۳۶ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۷۷/۱۵ درصد پسران متولد سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۳ نام‌های عربی، ۱۷/۳ درصد نام‌های فارسی و کمتر از شش درصد

عربی، ۲۹/۳۱ درصد نام‌های فارسی ۲۵/۵۲ درصد نام‌های کردی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت عربی < فارسی > کردی است.

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول شماره ۲، می‌توان دریافت که مانند ۱۰ سال قبل حجم بیشتری از نام‌های

کودکان پسر و دختر در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳، یعنی ۶۱/۱۲ درصد، نام‌های عربی بوده است. نام‌های فارسی با ۲۳/۳۲ درصد در رتبه دوم و ۱۵/۵۶ درصد کودکان، نام‌های کردی داشته‌اند؛ بنابراین رابطه کل نام‌های این دهه به صورت عربی < فارسی > کردی است.

جدول ۲. نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۷۳

مجموع	درصد	عربی	درصد	فارسی	درصد	کردی	درصد	ترکی	درصد	عربی	درصد
۱۵۰۴۵	۰	۱۱۶۸۰	۷۷/۱۵	۲۶۰۱	۱۷/۳	۸۳۶	۵/۵۵	۰	۰	۰	۰
۱۵۱۳۳	۰	۶۸۳۶	۴۵/۱۷	۴۴۳۶	۲۹/۳۱	۳۸۶۱	۲۵/۵۲	۰	۰	۰	۰
۳۰۱۷۸	۰	۱۸۴۴۴	۶۱/۱۲	۷۰۳۷	۲۳/۳۲	۴۶۹۷	۱۵/۵۶	۰	۰	۰	۰

ده سال سوم ۱۳۷۴-۱۳۸۳

از ۱۰۰۲۳ نام پسرانه سال‌های دهه سوم (۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳)، نام‌های عربی ۴۹۶۱ مورد، نام‌های فارسی ۴۳۱۹ مورد و نام‌های کردی ۷۴۳ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۴۹/۵ درصد پسران متولد سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳ نام‌های عربی، ۴۳/۱ درصد نام‌های فارسی ۷/۴ درصد نام‌های کردی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت عربی < فارسی > کردی است.

از ۸۸۸۸ نام دختران این دوره، نام‌های فارسی ۳۵۷۶ مورد، نام‌های عربی ۳۰۷۳ مورد و نام‌های کردی ۲۱۴۷ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۴۰/۲۳ درصد دختران متولد سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳ نام‌های فارسی،

۳۴/۵۷ درصد نام‌های عربی، ۲۴/۱۶ درصد نام‌های کردی و حدود یک درصد هم نام‌های ترکی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت فارسی < عربی > کردی < ترکی است.

بر اساس مجموع فراوانی نام‌های پسرانه و دخترانه در سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۳ که در جدول شماره ۳ آمده است می‌توان دریافت که حجم نام‌های عربی ۴۲/۴۸ درصد، نام‌های فارسی ۴۱/۷۵ و نام‌های کردی ۱۵/۲۸ است. در این دوره نام‌های ۰/۴۹ درصد هم به نام‌های نوظهور دخترانه ترکی اختصاص پیدا می‌کند؛ بنابراین رابطه نام‌های کلی این دهه باز هم تغییری نمی‌کند و به صورت عربی < فارسی > کردی < ترکی است.

جدول ۳. نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۸۳

مجموع	درصد	عربی	درصد	فارسی	درصد	کردی	درصد	ترکی	درصد	عربی	درصد
۱۰۰۲۳	۰	۴۹۶۱	۴۹/۵	۴۳۱۹	۴۳/۱	۷۴۳	۷/۴۰	۰	۰	۰	۰
۸۸۸۸	۰	۳۰۷۳	۳۴/۵۷	۳۵۷۶	۴۰/۲۳	۲۱۴۷	۲۴/۱۶	۹۲	۱/۰۴	۰	۰
۱۸۹۱۱	۰	۸۰۳۴	۴۲/۴۸	۷۸۹۵	۴۱/۷۵	۲۸۹۰	۱۵/۲۸	۹۲	۰/۴۹	۰	۰

ده سال چهارم ۱۳۸۴-۱۳۹۳

از ۱۱۵۸۱ نام پسرانه دهه چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳)، نام‌های فارسی ۶۵۶۴ مورد، نام‌های کردی ۲۵۹۶ مورد و نام‌های عربی ۲۴۲۱ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۵۶/۶۸ درصد پسران متولد سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۶۳ نام‌های فارسی، ۲۲/۴۲ درصد نام‌های کردی و ۲۰/۹۰ درصد نام‌های عربی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت فارسی < کردی > عربی است.

از ۸۸۹۶ نام دختران این دوره، نام‌های کردی ۳۳۳۵ مورد،

نام‌های فارسی ۲۸۹۳ مورد و نام‌های عربی ۲۲۸۴ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۳۷/۴۸ درصد دختران متولد سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ نام‌های کردی، ۲۸/۹۳ درصد نام‌های فارسی ۲۵/۶۷ درصد نام‌های عربی و ۷/۹۲ درصد نام‌های ترکی داشته‌اند. بنابراین رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت کردی < فارسی > عربی < ترکی است.

بر اساس مجموع فراوانی نام‌های پسرانه و دخترانه در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ که در جدول شماره ۴ آمده است می‌توان دریافت که حجم نام‌های فارسی ۴۶/۶۲

نام‌های کردی ۲۸/۹۶ درصد، عربی ۲۲/۹۸ درصد است و ۳/۴۴ درصد هم به نام‌های دخترانه ترکی اختصاص پیدا می‌کند؛ بنابراین رابطه نام‌های کلی این دهه به صورت فارسی < کردی > عربی < ترکی است.

جدول ۴. نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۴

مجموع	درصد	غربی	درصد	ترکی	درصد	کردی	درصد	فارسی	درصد	عربی	۸۴-۹۳
۱۱۵۸۱	۰	۰	۰	۰	۲۲/۲۴	۲۵۹۶	۵۶/۶۸	۶۵۶۴	۲۰/۹۰	۲۴۲۱	پسر
۸۸۹۶	۰	۰	۷/۹۲	۷۰۴	۳۷/۴۸	۳۳۳۵	۲۸/۹۳	۲۵۷۳	۲۵/۶۷	۲۲۸۴	دختر
۲۰۴۷	۰	۰	۳/۴۴	۷۰۴	۲۸/۹۶	۸۹۳۱	۴۶/۶۲	۹۱۳۷	۲۲/۹۸	۴۷۰۵	مجموع

درصد نام‌های فارسی ۵/۸۴ درصد نام‌های عربی داشته‌اند. در این دوره نام‌های ترکی با فراوانی ۹۹۳ مورد، سهم ۱۰/۹۹ درصد در کل نام‌های دخترانه دارد و نام‌های غربی با فراوانی ۷۱۲ مورد و سهم ۷/۸۷ درصدی از نام‌دختران برزو پیدا می‌کند. بنابراین رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت کردی < فارسی > عربی < ترکی > غربی است.

بر اساس مجموع فراوانی نام‌های پسرانه و دخترانه در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ که در جدول شماره ۵ آمده است می‌توان دریافت که حجم نام‌های کردی ۴۶/۷۶ درصد، نام‌های فارسی ۲۷/۷۵ و نام‌های عربی ۱۳/۶۳ درصد است. در این دوره ۸/۲۰ درصد به نام‌های دخترانه ترکی و ۳/۶۵ به نام‌های غربی اختصاص پیدا می‌کند. بنابراین رابطه کل نام‌های این دهه به صورت کردی < فارسی > عربی < ترکی > غربی است.

ده سال پنجم ۱۴۰۳-۱۳۹۴

از ۱۰۵۱۲ نام پسرانه دهه پنجم (۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳)، نام‌های کردی ۴۳۸۵ مورد، نام‌های فارسی ۳۳۸۰ مورد و نام‌های عربی ۲۱۳۷ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۴۱/۷۲ درصد پسران متولد سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ نام‌های کردی، ۳۲/۱۵ درصد نام‌های فارسی و ۲۰/۳۳ درصد نام‌های عربی داشته‌اند. در این دوره نام‌های ترکی پسرانه با فراوانی ۶۱۰ مورد و حجم ۵/۸۰ درصد از کل نام‌های پسرانه ظهور پیدا می‌کنند. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت کردی < فارسی > عربی < ترکی است.

از ۹۰۴۲ نام دختران این دوره، نام‌های کردی ۴۷۵۸ مورد، نام‌های فارسی ۲۰۵۱ مورد و نام‌های عربی ۵۲۸ مورد را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارتی دیگر، ۵۲/۶۲ درصد دختران متولد سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۳ نام‌های کردی، ۲۲/۶۸

جدول ۵. نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۹۴

مجموع	درصد	غربی	درصد	ترکی	درصد	کردی	درصد	فارسی	درصد	عربی	۹۴-۰۳
۱۰۵۱۲	۰	۰	۵/۸۰	۶۱۰	۴۱/۷۲	۴۲۸۵	۳۲/۱۵	۳۳۸۰	۲۰/۳۳	۲۱۳۷	پسر
۹۰۴۲	۷/۸۷	۷۱۲	۱۰/۹۹	۹۹۳	۵۲/۶۲	۴۷۵۸	۲۲/۶۸	۲۰۵۱	۵/۸۴	۵۲۸	دختر
۱۹۵۵۴	۳/۶۵	۷۱۲	۸/۲	۱۶۰۳	۴۶/۷۶	۹۱۴۳	۲۷/۷۵	۵۴۳۱	۱۳/۶۳	۲۶۶۵	مجموع

فرزندان پسر انتخاب نشده است. عبارتی دیگر از نظر سهم بیشترین درصد نام پسران به ترتیب به نام‌های عربی با ۵۵/۲۸ درصد، نام‌های فارسی با ۲۹/۲۰ درصد، نام‌های کردی با ۱۴/۵۰ درصد و یک درصد، نام‌های ترکی بوده است. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه ۵۰ سال اخیر به صورت عربی < فارسی > کردی < ترکی است.

کل دوره ۱۳۵۴ تا ۱۴۰۳

از ۵۹۹۰۳ نام پسرانه ۵۰ سال گذشته (۱۳۵۴ تا ۱۴۰۳) در شهرستان بوکان، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نام‌های عربی با ۳۳۱۱۵ مورد، فارسی با ۱۷۴۹۲ مورد، کردی با ۸۶۸۶ مورد، ترکی با ۶۱۰ مورد بوده است و نام‌های پسرانه غربی برای

جدول ۶. مجموع نام‌های پسرانه و دخترانه سال‌های ۱۴۰۳-۱۳۵۴

مجموع	درصد	غربی	درصد	ترکی	درصد	کردی	درصد	فارسی	درصد	عربی	۵۴-۰۳
۵۹۹۰۳	۰	۰	۱/۰۱	۶۱۰	۱۴/۵۰	۸۶۸۶	۲۹/۲۰	۱۷۴۹۲	۵۵/۲۸	۳۳۱۱۵	پسر
۵۲۹۰۵	۱/۳۴	۷۱۲	۳/۴۸	۱۷۸۹	۲۹/۱۹	۱۵۴۴۲	۲۸/۱۱	۱۴۸۷۴	۳۷/۹۸	۲۰۰۸۸	دختر
۱۱۲۸۰۸	۰/۶۲	۷۱۲	۲/۱۳	۲۳۹۹	۲۱/۳۹	۲۴۱۲۸	۲۸/۷۰	۳۲۳۶۶	۴۷/۱۶	۵۳۲۰۳	مجموع

از ۵۲۹۰۵ نام دخترانه ۵۰ سال اخیر شهرستان بوکان، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نام‌های عربی با ۲۰۰۸۸ مورد، کردی با ۱۵۴۴۲ مورد، فارسی با ۱۴۸۷۴ مورد، ترکی با ۱۷۸۹ مورد و غربی ۷۱۲ مورد است. عبارتی دیگر از نظر سهم، بیشترین درصد نام دختران به ترتیب به نام‌های عربی با ۳۷/۹۸ درصد، نام‌های کردی با ۲۹/۱۹ درصد، نام‌های فارسی با ۲۸/۱۱ درصد، نام‌های ترکی با ۳/۳۸ درصد و نام‌های غربی با ۱/۳۴ اختصاص دارد.

سیر تحول نام‌های پسران و دختران در ۵۰ سال گذشته شهرستان بوکان

بر اساس مجموع فراوانی کل نام‌های پسرانه و دخترانه در سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۴۰۳ شهرستان بوکان، می‌توان دریافت که از مجموع ۱۱۲۸۰۸ نام، بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به نام‌های عربی با ۵۳۲۰۳ مورد، فارسی با ۳۳۳۶۶ مورد، کردی با ۲۴۱۲۸ مورد، ترکی با ۲۳۹۹ مورد و غربی با ۷۱۲ مورد است. عبارتی دیگر از نظر سهم، بیشترین درصد نام دختران به ترتیب به نام‌های عربی با ۴۷/۱۶ درصد، نام‌های فارسی با ۲۸/۷۰ درصد، نام‌های کردی با

۲۱/۳۹ درصد، نام‌های ترکی با ۲/۱۳ درصد و نام‌های غربی با ۰/۶۹ درصد اختصاص دارد. بنابراین رابطه کل نام‌های ۵۰ سال اخیر شهرستان بوکان به صورت عربی < فارسی < کردی < ترکی < غربی است.

جدول ۷. مجموع نام‌های پسرانه به تفکیک دهه

دهه	عربی	درصد	فارسی	درصد	کردی	درصد	ترکی	درصد	غربی	درصد	مجموع
۵۴-۶۳	۱۱۹۸۸	۹۴/۰۸	۶۲۸	۴/۹۲	۱۲۶	۰/۰۱	۱۲۷۴۲
۶۴-۷۳	۱۱۶۰۸	۷۷/۱۵	۲۶۰۱	۱۷/۳	۸۳۶	۵/۵۵	۱۵۰۴۵
۷۴-۸۳	۴۹۶۱	۴۹/۵	۴۳۱۹	۴۳/۱	۷۴۳	۷/۴	۱۰۰۲۳
۸۴-۹۳	۲۴۲۱	۲۰/۹	۶۵۶۴	۵۶/۶۸	۲۵۹۶	۲۲/۲۴	۱۱۵۸۱
۹۴-۰۳	۲۱۳۷	۲۰/۳۳	۳۳۸۰	۳۲/۱۵	۴۳۸۵	۴۱/۷۲	۶۱۰	۵/۸	.	.	۱۰۵۱۲

مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان پسر بوکانی از نام‌های فارسی بجز در دهه آخر افزایشی بوده است و از ۴/۹۲ درصد در دهه اول به ۵۶/۶۸ درصد در دهه چهارم رسیده است و در ده سال اخیر روندی کاهشی داشته است و به ۳۲/۵ درصد سقوط کرده است.

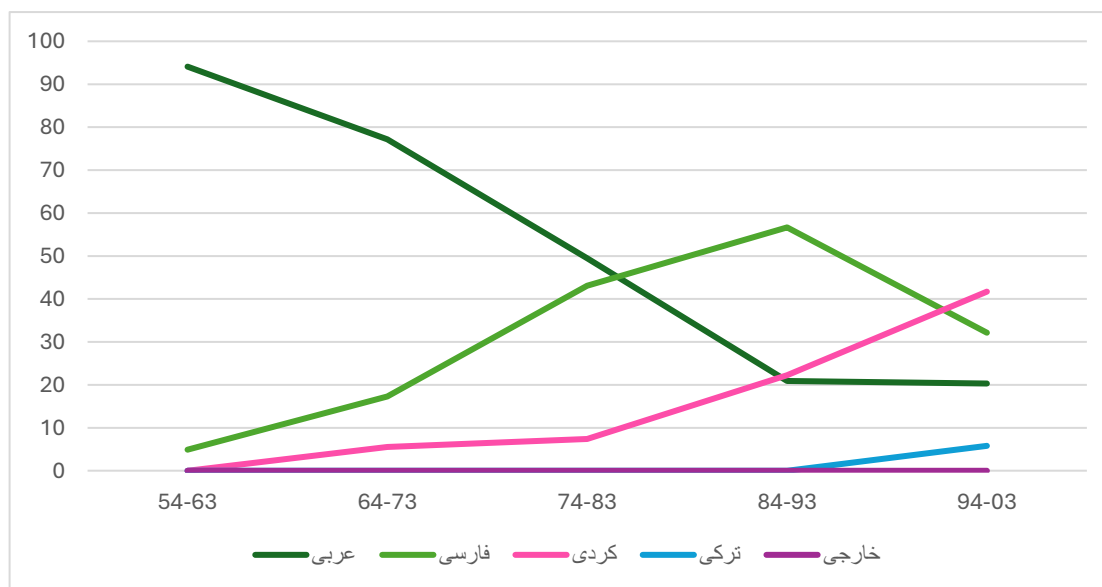
کردی: نام‌های پسرانه منتخب از زبان کردی در دهه اول ۱۲۶، در دهه دوم، ۸۳۶، در دهه سوم ۷۴۳، در دهه چهارم ۲۵۹۶ و در دهه پنجم ۴۳۸۵ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۰/۰۱، در دهه دوم ۵/۵۵، در دهه سوم ۷/۴، در دهه چهارم ۲۲/۲۴ و در دهه پنجم ۴۱/۷۲ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان پسر بوکانی از نام‌های کردی در ۵۰ سال اخیر، برعکس زبان عربی، همواره سیر صعودی داشته است و از زیر یک درصد در دهه اول به ۴۱/۷۲ درصد در دهه آخر رسیده است.

عربی: نام‌های پسرانه منتخب از زبان عربی در دهه اول ۱۱۹۸۸، در دهه دوم، ۱۱۶۰۸، در دهه سوم ۴۹۶۱، در دهه چهارم ۲۴۲۱ و در دهه پنجم ۲۱۳۷ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۹۴/۰۸، در دهه دوم ۷۷/۱۵، در دهه سوم ۴۹/۵، در دهه چهارم ۲۰/۹ و در دهه پنجم ۲۰/۳۳ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان پسر بوکانی از نام‌های عربی در ۵۰ سال اخیر کاهشی بوده است و از ۹۴ درصد در دهه اول به ۲۰ درصد در دهه آخر رسیده است.

فارسی: نام‌های پسرانه منتخب از زبان فارسی در دهه اول ۶۲۸، در دهه دوم، ۲۶۰۱، در دهه سوم ۴۳۱۹، در دهه چهارم ۶۵۶۴ و در دهه پنجم ۳۳۸۰ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۴/۹۲، در دهه دوم ۱۷/۳، در دهه سوم ۳۳/۱، در دهه چهارم ۵۶/۶۸ و در دهه پنجم ۳۲/۱۵ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز

می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان پسر بوکانی از نام‌های ترکی سیر صعودی است.
غربی: در این ۵۰ سال والدین بوکانی نامی از زبان غربی را بر کودکان پسر خویش ننهادند.

ترکی: نام‌های پسرانه منتخب از زبان ترکی چهار دهه اول صفر بوده است و در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ به ۶۱۰ نام رسیده است و این برابر با ۵/۸ درصد نام‌های این دوره است؛ لذا، همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده



نمودار ۱. سیر تحول نام پسران در ۵۰ سال گذشته

نام‌های منتخب از هر زبان برای کودکان دختر شهرستان بوکان به شرح زیر می‌باشد:

سیر تحول نام‌های دختران

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول شماره ۸ سیر تحول

جدول ۸. مجموع نام‌های دخترانه به تفکیک دهه

دهه	عربی	درصد	فارسی	درصد	کردی	درصد	ترکی	درصد	غربی	درصد	مجموع
۵۴-۶۳	۷۳۶۷	۶۷/۳	۲۲۳۸	۲۰/۴۵	۱۳۴۱	۱۲/۲۵	۰	۰	۰	۰	۱۰۹۴۶
۶۴-۷۳	۶۸۳۶	۴۵/۱۷	۴۴۳۶	۲۹/۳۱	۳۸۶۱	۲۵/۵۲	۰	۰	۰	۰	۱۵۱۳۳
۷۴-۸۳	۳۰۷۳	۲۴/۵۷	۲۵۷۶	۴۰/۲۳	۲۱۴۷	۲۴/۱۶	۹۲	۱/۰۴	۰	۰	۸۸۸۸
۸۴-۹۳	۲۲۸۴	۲۵/۶۷	۲۵۷۳	۲۸/۹۳	۳۳۳۵	۳۷/۴۸	۷۰۴	۷/۹۲	۰	۰	۸۸۹۶
۹۴-۰۳	۵۲۸	۵/۸۴	۲۰۵۱	۲۲/۶۸	۴۷۵۸	۵۲/۶۲	۹۹۳	۱۰/۹۹	۷۱۲	۷/۸۷	۹۰۴۲

فارسی: نام‌های دخترانه منتخب از زبان فارسی در دهه اول ۲۲۳۸، در دهه دوم، ۴۴۳۶، در دهه سوم ۳۵۷۶، در دهه چهارم ۲۵۷۳ و در دهه پنجم ۲۰۵۱ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۲۰/۴۵، در دهه دوم ۲۹/۳۱، در دهه سوم ۴۰/۲۳، در دهه چهارم ۲۸/۹۳ و در دهه پنجم ۲۲/۶۸ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۲ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان دختر بوکانی از نام‌های فارسی در سه دهه اول افزایشی بوده است و در دو دهه آخر روندی کاهشی به خود گرفته است.

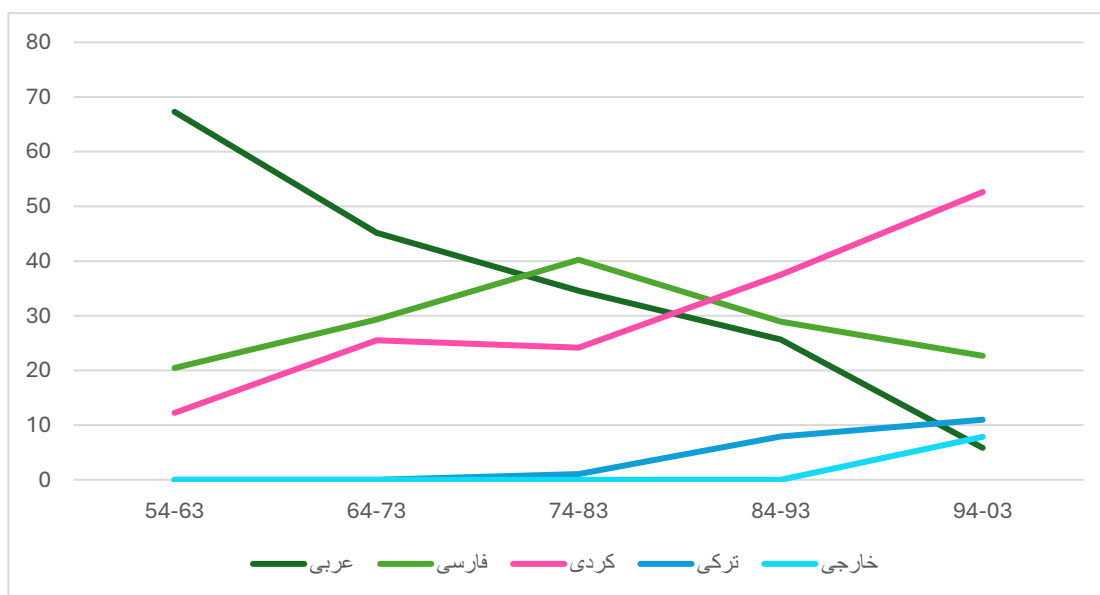
عربی: نام‌های دخترانه منتخب از زبان عربی در دهه اول ۷۳۶۷، در دهه دوم، ۶۸۳۶، در دهه سوم ۳۰۷۳، در دهه چهارم ۲۲۸۴ و در دهه پنجم ۵۲۸ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۶۷/۳، در دهه دوم ۴۵/۱۷، در دهه سوم ۲۴/۵۷، در دهه چهارم ۲۵/۶۷ و در دهه پنجم ۵/۸۴ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان دختر بوکانی از نام‌های عربی در ۵۰ سال اخیر کاهشی بوده است و از ۶۷/۳ درصد در دهه اول به ۵/۸۴ درصد در دهه آخر رسیده است.

از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول و دوم صفر و در دهه سوم ۵۷۰۴۱، در دهه چهارم ۷/۹۲ و در دهه پنجم ۱۰/۹۹ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان دختر بوکانی از نام‌های ترکی در ۳۰ سال اخیر افزایشی بوده است و از یک درصد در دهه سوم به تقریباً ۱۱ درصد در دهه آخر رسیده است.

غربی: نام‌های دخترانه منتخب از زبان‌های غربی چهار دهه اول صفر بوده است و در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ به ۷۱۲ نام رسیده است و این برابر با ۷/۹۲ درصد نام‌های این دوره است؛ لذا، همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان دختر بوکانی از نام‌های غربی سیر صعودی است.

کردی: نام‌های دخترانه منتخب از زبان کردی در دهه اول ۱۳۴۱، در دهه دوم، ۳۸۶۱، در دهه سوم ۲۱۴۷، در دهه چهارم ۳۳۳۵ و در دهه پنجم ۴۷۵۷ مورد بوده است. از نظر درصد هم به ترتیب در دهه اول ۱۲/۲۵، در دهه دوم ۲۵/۵۲، در دهه سوم ۲۴/۱۶، در دهه چهارم ۳۷/۴۸ و در دهه پنجم ۵۲/۶۲ درصد بوده است. همانطوریکه در نمودار شماره ۱ نیز مشاهده می‌شود سیر انتخاب نام برای کودکان دختر بوکانی از نام‌های کردی در ۵۰ سال اخیر، بجز در دهه سوم همواره افزایشی بوده است.

ترکی: نام‌های دخترانه منتخب از زبان ترکی در دهه اول و دوم صفر، در سه دهه اخیر به ترتیب در دهه سوم ۶۱۰، در دهه چهارم ۷۰۴ و در دهه پنجم ۹۹۳ نام بوده است.



نمودار ۲. سیر تحول نام دختران در ۵۰ سال گذشته

بیشتر در نام‌های پسران مشاهده می‌شود و همزمان نشان دهنده شور انقلابی است. جنگ تحمیلی ملی‌گرایی اسلامی را تقویت کرد و هویت ملی را در مقابل هویت قومی برجسته‌تر کرد و با حفظ نام‌های عربی در صدر به افزایش نام‌های فارسی نیز کمک کرد. در این دوره نام‌های پسرانه عمدتاً عربی بودند و نام‌های فارسی و کردی بندرت دیده می‌شوند؛ درصد نام‌های برگرفته از فارسی و کردی در نام‌های دخترانه بیشتر از نام‌های پسرانه است و نام‌های دخترانه در قیاس با نام‌های پسرانه کمتر برگرفته از عربی بودند.

پیروزی انقلاب اسلامی تازه تأسیس یافته در جنگ تحمیلی با تأکید بر ایدئولوژی اسلامی محقق شد؛ حاکمیت

بحث و نتیجه‌گیری

سال‌های پایانی حکومت پهلوی، ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷، یکی از پرتحول‌ترین دوره‌های تاریخ این منطقه بود؛ جامعه آستان حوادثی بسیار بزرگ با تأثیرپذیری از نهضت امام خمینی و گسترش شعائر مذهبی بود. با آغاز جنگ تحمیلی، تأکید بر ایدئولوژی اسلامی و هویت ملی همراه با ارزش‌هایی همچون دفاع از وطن و ناموس و ... افزایش چشم‌گیر یافت. تأکید حکومت بر اسلامیت نظام و افزایش نقش روحانیون و نهادهای مذهبی در اداره امور اجتماعی و فرهنگی شهر در کنار خانواده‌های متدین و مذهبی بوکان از دلایل تخصیص تقریباً کل نام‌های کودکان متولد دهه اول به عربی است و این سلطه

مردم در انتخابات شوراهای شهر و روستا، جریان‌های فکری جدید در بین جوانان و تحصیلکردگان به وجود آمد و هویت ملی تقویت بیشتری پیدا کرد. این به افزایش تمایل به انتخاب نام‌های فارسی از یک سو و کاهش علاقه به نام‌های عربی از سوی دیگر انجامید. بعلاوه، ناآرامی‌های مرزی در کردستان عراق بر فضای امنیتی منطقه غرب و شمال غرب افزود و این خود افزایش نظارت نهادهای امنیتی بر فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی و کاهش تمایل به نام‌های کردی در قیاس با نام‌های عربی و فارسی شد. یافته‌های این بخش از پژوهش، موید یافته‌های پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، اسدی و همکاران (۱۳۹۹)، نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲)، رضایی بیلندی و ناصح (۱۴۰۳) و محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) است.

استفاده مردم از اینترنت و شبکه‌های اجتماع در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ که مصادف با دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد بود و خود هویت ملی را ترویج می‌نمود، تعداد نام‌های برگرفته از فارسی را به اوج رساند. در کنار آگاهی از هویت ملی، دسترسی آسان به شبکه‌های ماهواره‌ای کردی زبان و مراودات مردمی با کردستان عراق بر علاقه مردم به قوم‌گرایی افزود نام‌های عربی را به آخر لیست فرستاد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق کردی و براتیچیان (۱۳۹۳)، احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، اسدی و همکاران (۱۳۹۹)، نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲) و نیز رضایی بیلندی و ناصح (۱۴۰۳) است.

کاهش علایق مذهبی، تسهیل دسترسی به نام‌های کردی و ایرانی از طریق اینترنت و مراودات با مردمان اقلیم کردستان، تلاش والدین کرد بوکانی برای حفظ هویت کردی خویش با استفاده از نام‌ها، در کنار عدم پیشگیری از انتخاب نام‌های کردی از سوی نظام به ازدیاد نام‌های کردی در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ منجر شد؛ این یافته با یافته‌های پژوهش‌های اسلامی راسخ و احمدوند (۲۰۱۵) و محمدزاده و همکاران (۱۴۰۳) همسو است و با یافته‌های پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، اسدی و همکاران (۱۳۹۹) و نیکوروش و همکاران (۱۴۰۲) در تناقض است؛ سه پژوهش اخیر فراوانی نام‌های ملی را بیشتر از نام‌های قومی دانسته‌اند، در حالیکه پژوهش کنونی فراوانی نام‌های قومی را بیشتر از فراوانی نام‌های ملی و عربی در این دهه یافته است.

دولت مرکزی که اس و اساس آن بر اسلام بنا نهاده شده بود، تثبیت شد. این از دلایل گرایش مردم به نام‌های برگرفته از زبان عربی شد. افزایش مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱ و انتخابات ریاست‌جمهوری در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ همراه شد، دوران بازسازی کشور و دوره سازندگی را رقم زد. این خود باعث تقویت هویت ملی و تأکید بر زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور شد. در نتیجه آن تنش‌های قومی کاهش یافت و نسبت به دهه قبل، ثبات بیشتری در روابط قومی پدیدار شد. در کنار آن، برخی خانواده‌ها برای اجتناب از تبعیض، از نام‌های فارسی یا عربی استفاده کردند. هرچند رابطه نام‌های این دهه به صورت عربی < فارسی > کردی ماند، اما از فراوانی نام‌های عربی کاسته شد و بر فراوانی نام‌های فارسی و کردی، به ویژه فارسی، اضافه شد. در این دوره نام‌های دخترانه در قیاس با نام‌های پسرانه کمتر برگرفته از عربی بودند و درصد بیشتری از نام‌های دخترانه بیشتر از زبان‌های فارسی و کردی بودند.

نام‌های پسران بوکانی متولد سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ از زبان‌های عربی با ۴۹/۱۵ درصد، فارسی با ۴۳/۱ درصد نام‌های فارسی و کردی ۷/۴ درصد بوده است. بنابراین رابطه نام‌های پسرانه این دهه به صورت عربی < فارسی > کردی است و نام‌های دختران بوکانی متولد سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۳ از زبان‌های فارسی ۴۰/۲۳ درصد، عربی با ۳۴/۵۷ درصد، کردی با ۲۴/۱۶ درصد بوده است؛ در این دوره نام‌های ترکی برای دختران نیز ظهور پیدا می‌کنند و چیزی در حدود یک درصد از نام‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. لذا، رابطه نام‌های دخترانه این دهه به صورت فارسی < عربی > کردی < ترکی است. برخلاف ۲۰ سال قبل، اختلاف نام‌های عربی با نام‌های فارسی اختلاف چشم‌گیری نیست و نام‌های عربی پسرانه هرچند بیشتر از نام‌های فارسی است اما این اختلاف نسبت به قبل کمتر شده است. برخلاف نام پسران، نام‌های عربی دخترانه جایگاه اول خود در دو دهه قبل را از دست داده و نام‌های دخترانه فارسی جایگاه اول را گرفته‌اند.

سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ روی کار آمدن دولت اصلاحات خاتمی، در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳ را در بطن خود جای داده است؛ در این دوران فضای سیاسی به سمت آزادی‌های نسبی و گفتمان اصلاحات حرکت کرد و در کنار افزایش مشارکت

منابع

Agyekum (2006) - Anthropological Onomastics Agyekum, K. (2006). "The

sociolinguistics of Akan personal names." Nordic Journal of African

- Studies, 15(2), 206–235. DOI:10.53228/njas.v15i2.296.
- Ahmadi, B., Zandi, B., najafian, A., & Rovshan, B. (2018). Personal Naming in Baneh, a Socio-Onomastic Study. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 6(22), 1-19. [In Persian]
- Ahmadvandi, M. (2022). The onomastics of characters in Hamsayeha novel. *Persian Prose & Poetry Studies*, 5(12), 263-281. doi: 10.22055/jrp.2021.38480.1056 [In Persian]
- Ainiala, T. and Östman, J.O. (2017). Socio-onomastics: The pragmatics of names. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Ainiala, T., Saarelma, M., & Sjöblom, P. (2016). Names in Focus: An Introduction to Finnish Onomastics. Helsinki: Finnish Literature Society.
- Ainiala, Terhi, Hanna Lappalainen & Samu Nyström (2016). "Slang name or official name? Suburb names as mirrors of urban identities in Eastern Helsinki." *Yhdyskuntasuunnittelu* 54:2: 41– 59.
- Akbari, F. (2023). A Look at Onomastics in Western World. *Journal of Sociolinguistics*, 6(4), 13-25. doi: 10.30473/il.2023.66308.1572 [In Persian]
- Alderman, D. H. (2008). Place, naming, and the interpretation of cultural landscapes. In B. Graham & P. Howard (Eds.), the Ashgate Research Companion to Heritage and Identity (pp. 195–213). Aldershot: Ashgate.
- Aldrin, E. (2017). "Creating identities through the choice of first names". *Socio-onomastics: The pragmatics of names*, edited by Terhi Ainiala and Jan-Ola Östman. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company. PP: 45-65. <https://doi.org/10.1075/pbns.275.03ald>
- Alford, R. D. (1988). Naming and Identity: A Cross-Cultural Study of Personal Naming Practices. New Haven: HRAF Press.
- Ali, M; Bakhsh, I.; Ali, Zahid and Khan, Dolat (2023). A Sociolinguistic Study of Personal Names in Balochi Culture. *Sukkur IBA Journal of Educational Sciences and Technologies*, 3(1), 40-56. <https://doi.org/10.30537/sjest.v3i2.1211>
- Alia, V. (2007). Names and Nunavut: Culture and Identity in the Inuit Homeland. Berghahn Books.
- Asadi, S. A., Badakhshan, E., Dastgoshadeh, A., & Naghshbandi, Z. (2020). A Cognitive Socio-linguistic Study of Choosing Names for Children in (1985-2015); A Case Study: Kalatarzan Region of Sanandaj, Kurdistan. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 8(2), 1-18. doi: 10.22126/jlw.2020.4893.1394 [In Persian]
- Asadi, S. and Farbod, F. (2011). "Semiotics of dramatic characters name in the plays Death of a Salesman". *Journal of Fine Arts: Performing Arts & Music*, 2(39), 13-23. [In Persian]
- Ashiri Livesi, A. (2023). The analysis of social onomastics and cultural-social conceptualizations of individuals' names among 'Lur' speakers in the north and northeast of Dezful. *Journal of Iranian Dialects & Linguistics*, 8(1), 133-153. doi: 10.22099/jill.2023.45214.1334 [In Persian]
- Azaryahu, M. (2011). "The Power of Street Names: The Renaming of Streets in East Berlin after 1945." *Journal of Historical Geography*, 37(4), 483-492.
- Azimifard, F. (2023). Naming People in Iranian Comedy and Social TV Series. *Journal of Sociolinguistics*, 6(1), 55-66. doi: 10.30473/il.2023.65254.1559 [In Persian]
- Barry, H., & Harper, A. (1995). "Increased Choice of Female Phonemes in First Names". *Sex Roles*, 32(11-12), PP: 809-819. DOI: 10.1007/BF01544212
- Barry, H., & Harper, A. (1995). "Increased Choice of Female Phonemes in First Names". *Sex Roles*, 32(11-12), PP: 809-819.
- Berger, P. L., & Luckmann, T. (1966). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*. New York: Anchor Books.
- Berger, P. L., & Luckmann, T. (1966). *The Social Construction of Reality*. Anchor Books.
- Bertrand, M., & Mullainathan, S. (2004).

- "Are Emily and Greg More Employable Than Lakisha and Jamal? A Field Experiment on Labor Market Discrimination." *American Economic Review*, 94(4), 991–1013. DOI: 10.1257/0002828042002561
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. 241–258). New York: Greenwood Press.
- Bourdieu, P. (1991). *Language and Symbolic Power*. Harvard University Press.
- Bucholtz, M., & Hall, K. (2005). Identity and interaction: A sociocultural linguistic approach. *Discourse Studies*, 7(4-5), 585–614.
- Coates, Richard (2006). 'Introduction', *Onoma* 41: 7–13.
- Danesh, Y. and Ghorbani, A.A. (2018). Socio-cultural factors affecting the name selection of children by Iranian families (case study Hormozgan Province), 3 (5): 87-109. [In Persian]
- Danesi, M. (2004). *A basic course in anthropological linguistics*. Toronto: Canadian Scholars' Press Inc.
- Daştan, M. (2024). Eponymy, A Way from Onomasticon to Lexicon; A study from Cognitive Onomastics Perspective. *Journal of Sociolinguistics*, 7(4), 25-37. doi: 10.30473/il.2025.72251.1658 [In Persian]
- Eslami-Rasekh, A. & Ahmadvand, M. (2015). Name-giving variations in Kurdistan province of Iran: An ethnic identity marker categorized. *Khazar Journal of Humanities and Social Sciences*. 18(2), 5-22. <https://doi.org/10.5782/2223-2621.2014.18.2.5>
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Polity Press.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Farhangi, S. and Rasht Behesht, A. (2020). Onomastics of the Novel "Malakout" by Bahram Sadeghi. *Journal of Sociolinguistics*, 3(1), 11-24. doi: 10.30473/il.2020.44182.1233 [In Persian]
- Farhangi, S. and Rasht-Behesht, A. (2019). Name Selection in the Novel of "Hibernation" Written by Goli Taraghi. *Literary Text Research*, 23(81), 227-254. doi: 10.22054/ltr.2018.16872.1661 [In Persian]
- Foucault, M. (1984). *The Foucault Reader*. Pantheon Books.
- Gerhards, J. (2003). *Die Moderne und ihre Vornamen. Eine Einladung in die Kultursoziologie*. Wiesbaden: Westdeutscher Verlag. doi: 10.1007/978-3-322-93558-8
- Gerritzen, D. (1994). Two revolutions in personal-name-giving]. *Naamkunde*, 25: 207-242.
- Gerritzen, D. (1998a) First name choices in the Netherlands 1992-1995. *Proceedings of the XIXth International Congress of Onomastic Sciences*, vol. III, 140-147.
- Gerritzen, D. (1998b). First names. Investigation of some aspects of name giving in the Netherlands (English summary). Dissertation, University of Amsterdam. Gerritzen, D. (1998-1999)/ Changes in the naming patterns for girls and boys in the Netherlands against the cultural background (XXth century). *Onoma*, 34: 181-195.
- Ghanbari Odivi A. The Impact of Religion on Naming in Chaharmahal-o-Bakhtiari. *CFL* 2013; 1 (2) :83-107. [In Persian]
- Hansen, T. B. (2002). Names and places: The politics of naming in Mumbai. *South Asia: Journal of South Asian Studies*, 25(2), 47–66.
- Hasani, S., Marof, Y., Naderifar, A., & Salimi, A. (2024). The Semiotics of Nouns in I turn Off the Lights based on the Theory of Pierce. *Research in Narrative Literature*, 13(1), 53-74. doi: 10.22126/rp.2022.7352.1497 [In Persian]
- Hassanpour, A. (2001). *"The Politics of Apolitical Linguistics: Linguists and Linguicide."*. R. Phillipson (Ed.), *Rights to Language: Equity, Power, and Education* (pp. 33–39). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Hymes, D. (1974). *Foundations in Sociolinguistics: An Ethnographic Approach*. University of Pennsylvania

- Press.
- Izadi, K. and lotfi, S. M. (2009). Identifying the personal proper names in Rejal science. *Researches of Quran and Hadith Sciences*, 6(2), 5-23. doi: 10.22051/tqh.2009.3423 [In Persian]
- Jaafari Dehaghi, S. (2024). Onomastics of Personal Names in Middle Persian and Parthian Inscriptions. *Journal of Sociolinguistics*, 7(2), 69-79. doi: 10.30473/il.2024.70485.1632 [In Persian]
- Jamshidiha, G. and Fooladian, M. (2011). Public culture, naming, Islamic-National trend, Traditional-Islamic trend, Modern-Iranian trend, Modern-Islamic trend, Ideological-Islamic trend, Ancient-Iranian trend. *Cultural Studies & Communication*, 7(24), 39-64. [In Persian]
- John L. (1978). *Town Names of Colonial New England in the West. Annals of the Association of American Geographers*, 68(2): 233-248.
- Kaleta, Z. (1998-1999). *Personal names across countries and cultures. Onoma* 34.
- Kehl, F. (1971). Chinese Nicknaming Behaviour: A Sociolinguistic Pilot Study, *Journal of Oriental Studies*, 9, 149-172.
- Kohlheim, V. (2002). Are we facing a new Middle Ages of naming? *Onomastic Information*, 81-82: 17-32.
- Kurdi, N. and Baratchian, T. (2015). Popular Satellite TV Series and People's Culture of Choosing Names. *Rasaneh*, 26(1), 73-90. [In Persian]
- Leys, O. (1974). Sociolinguistic aspects of name-giving patterns. *Onoma*, 18: 448-455
- Lieberson, S. (1984). What's in a name? Some sociolinguistic possibilities. *International Journal of the Sociology of Language*, 1984(45), 77-87. doi: 10.1515/ijsl.1984.45.77
- Lieberson, S. (2000). *A Matter of Taste: How Names, Fashions, and Culture Change*. Yale: Yale University Press.
- Lieberson, S. (2000). *A Matter of Taste: How Names, Fashions, and Culture Change*. Yale University Press.
- Lieberson, S., & Bell, E. O. (1992). "Children's First Names: An Empirical Study of Social Taste". *American Journal of Sociology*, 98(3), PP: 511-554.
- Lieberson, Stanley (1984) "What's in a Name? Some Sociolinguistic Possibilities". *Int'l. J. Soc. Lang.* 45, PP: 77-87.
- Mohammadzadeh, H., Ahmadi, B. and Najmi, S. M. (2025). The Evolution of Naming Children in Saqqez in the Last Fifty Years (1970-2020). *Journal of Sociolinguistics*, 8(1), 19-47. doi: 10.30473/il.2025.72403.1661 [In Persian]
- Moradi, M. and Kamali, M. (2016). Personality of Characters in the Stories of the Seh Tar by Jalal Al Ahmad. *Fiction studies*, 4(2), 87-99. [In Persian]
- Motschenbacher, H. (2020). "Corpus-Based Onomastics: A Linguistic Approach to Name Usage." *Language and Linguistics Compass*, 14 (5), e12378.
- Mowlaei Kuhbanani, H., Oraki, A. and Iranpur, F. (2024). The Linguistic study of European Countries Toponym. *Journal of Sociolinguistics*, 7(4), 1-23. doi: 10.30473/il.2024.71515.1651 [In Persian]
- Nazari, A. A., Hassan Pour, A. and Hassan Pour, M. (2013). Culture, Politics and Representation of Names: Review of the Islamic Republic of Iran Broadcasting in the 2000-2010. *Journal of Iranian Cultural Research*, 5(4), 1-22. doi: 10.7508/ijcr.2012.20.001 [In Persian]
- Nikuravesh, K., Ghoreishi, S. M. H. and Emami, H. (2023). Examining Factors Influencing the Preference for National Names for Children over the Past Two Decades through the Lens of Social Linguistics: The Case of Birjand. *Journal of Socio-Cultural Studies of Khorasan*, 17(3), 197-233. doi: 10.22034/fakh.2023.380729.1593 [In Persian]
- Pablé, A. (2009). "The 'dialect myth' and socio-onomastics. The names of the castles of Bellinzona in an integrational perspective." *Language and Communication* 29/2: 152-165. doi: 10.1016/j.langcom.2008.12.004.
- Peirce, C. S. (1931). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce*. Edited by C. Hartshorne & P. Weiss. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Pitkänen, R. L. (1998). "The nomenclatures

- of a farmer and a fisherman. Occupation as the decisive factor." In Proceedings of the 19th International Congress of Onomastic Sciences, volume 2, ed. by W. F. H. Nicolaisen, 277-284. Aberdeen: University of Aberdeen.
- Pitkänen, R. L. (2010). "Place names – users and usage." In Proceedings of the 21st International Congress of Onomastic Sciences, volume 5, ed. by Eva Brylla et al. , 401-409. Uppsala: Institute for Language and Folklore.
- Rezaee, Z. and Nasseh, M. A. (2025). Study of the Naming of Schools in Gonabad City in the Contemporary Period with a Sociolinguistic Approach. *Journal of Sociolinguistics*, 8(1), 49-61. doi: 10.30473/il.2025.72386.1660 [In Persian]
- Rezaei, A. (2022). Onomastics of Rhetorical Books from the Perspective of Meaning, Semantic Core, Transparency, and Opacity. *Rhetoric and Grammar Studies*, 11(20), 65-92. doi: 10.22091/jls.2022.7889.1366 [In Persian]
- Robbins, D. D., Behrens, S. J., De Vinne, C., Kennedy, K., Robinson, C. L., Ruffeth, E. P., & Whaley, D. R. (2023). *Literary onomastics: Methods and approaches*. New York: Lexington Books.
- Rose-Redwood, R., Alderman, D., & Azaryahu, M. (2010). "Geographies of Toponymic Inscription." *Progress in Human Geography*, 34(4), 453-470.
- Sheikh al-Hokamaee, E. A. and Rezvan, R. (2020). Onomastics and Historical Sciences Studies. *Historical Sciences Studies*, 11(2), 143-166. doi: 10.22059/jhss.2019.284208.473140 [In Persian]
- Silverstein, M. (2003). Indexical Order and the Dialectics of Sociolinguistic Life. *Language & Communication*, 23(3-4), 193-229 .
- Skuridina, A. (2023). "The Evolution of Literary Onomastics: From Philology to Multidisciplinary Analysis." *Journal of Literary Onomastics*, 12(2), 45-67.
- Slater, A., & Feinman, S. (1985). "Gender and the Phonology of North American First Names" *Sex Roles*, 13(9-10). PP: 429-440. DOI: 10.1007/BF00287953.
- Sumser, J. (1992). *Not Just Any Tom, Dick or Harry: The Grammar of Names in Television Drama*. *Media Culture and Society*, 14 (4), PP: 605-622.
- Taheri, Z. , Zolfaghari, H. and Bagheri, B. (2015). Narrative Onomastics of Iranian Folk Tales: A Case Study of Firoozshah Nameh. *Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature*, 15(29), 45-87. [In Persian]
- Vandebosch, H. (1998). The influence of media on given names. *Names*, 46/4: 243-262. doi: 10.1179/nam. 1998.46.4.243
- Virkkula, J. (2014). *First name choices in Zagreb and Sofia*. University of Helsinki: Slavica Helsingiensia 44.
- Zandi, B., Motesharrei, S. M. and Yousefi Rad, F. (2021). The Roadmap of Onomastics Studies: From Traditional Approach to Socio-Cognitive Approach. *Journal of Sociolinguistics*, 4(2), 11-28. doi: 10.30473/il.2021.57361.1432 [In Persian]
- Zandi, B., Rovsan, B. and Amirykhah, M. (2018). A Comparative Study of Naming Traditional Cafes and Coffee Shops in Tehran from a Socio-onomastic Perspective. *Journal of Sociolinguistics*, 1(4), 30-41. doi: 10.30473/il.2018.5359 [In Persian]
- Zandi, B., Yousefi Rad, F. and Motesharrei, S. M. (2020). Onomasiology through the Perspective of Cognitive Sociolinguistics with Emphasis on Usage-Based Context. *Social Cognition*, 9(18), 193-212. doi: 10.30473/sc.2021.57925.2660 [In Persian]
- Zandi, B. and Ahmadi, B. (2016). Cognitive Socio-Onomastics; A New Domain in Interdisciplinary Studies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9(1), 99-122. doi: 10.22631/isih.2017.2571.2972 [In Persian]
- Zandi, B. and Vasegh, E. (2021). Trends in Naming Men and Women of Four Generations in Iran: A Sociolinguistic Study. *Language and Translation Studies (LTS)*, 53(4), 165-195. doi: 10.22067/lts.v53i4.88045 [In Persian]
- Zelinsky, W. (1992). *The Cultural Geography of the United States*. New Jersey: Prentice-Hall, Englewood Cliffs.